

کیمیا

فراموشی نقیض ذکر و توجه است؛ یعنی آدمی اگر چیزی را می‌دانست، سپس در اثر عواملی آن را فراموش کرد، گرفتار فراموشی شده است. البته گاه واژه فراموشی به معنای ترک کردن چیزی یا علم و آگاهی است، ولی این معنای حقیقی واژه فراموشی، نیست، بلکه کاربردی مجازی است؛ زیرا وقتی کسی چیزی را فراموش کرد، آن چیز را ترک می‌کند و انجام نمی‌دهد؛ بنابراین، وقتی از روی علم و ذکر و توجه، باز کاری را ترک می‌کند، می‌گویند فراموش کرد؛ یعنی به عمد و آگاهی و علم آن را ترک کرد.

بر اساس آموزه‌های قرآن، فراموشی و فراموشکاری نسبت به تکالیف و وظایف، کاری بس نادرست است و انسان می‌بایست همواره خدا و قیامت را به یاد داشته باشد و تکالیف الهی خویش را نسبت به آن انجام دهد و هر گز عاملی چون شیطان یا مستغولیت به دنیا نباید موجب شود تا به خدا و قیامت و تکلیف گرفتار فراموشی شود؛ زیرا چنین فراموشی مذموم است؛ البته انسان در زندگی دنیوی لازم است تا نسبت به برخی از چیزها گرفتار فراموشی شود؛ زیرا اگر فراموش دردها و مصیبت‌ها نباشد، هرگز روی آرامش را نمی‌یابد.

به هر حال ، برخی از مصادیق فراموشی، از امور طبیعی و ممدوح است؛ در حالی که برخی دیگر نه تنها مذموم بلکه گناهی بس بزرگ است که انسان می‌بایست به خود اجازه ندهد تا حتی گرفتار فراموشی‌ای شود که مبادی آن را به اختیار فراهم کرده است. در نوشتار حاضر نویسنده درباره مفهوم فراموشی، علل و اسباب فراموشی سخن گفته و به برخی فراموشی‌های هلاک‌کننده و زین‌بخش اشاره کرده است.

معنا و مفهوم فراموشی

واژه عربی نسیان به معنی فراموشی از ماده «نسی» است. واژه فراموشی در فارسی، معادل واژه فراموشی در عربی، به معنای یادرفتنگی (لغت نامه، ج ۱۰، ص ۱۵- ۱۵۰، «فراموشی» در حقیقت از یاد بردن و غفلت انسان از چیزی است که قبلاً در ذهن بوده و آن را به یاد داشته است).کناب‌العین،راهفیدی،ج ۷، ص ۲۰۴) طبق این معنا، فراموشی ضد ذکر و حفظ است.(لسان‌العرب، ابن منظور، ج ۱۵، ص ۳۲۲) برای واژه عربی فراموشی چند معنای مجازی بر این «بی‌اعتنایی» و «ترک کردن» (اساس‌البلاغه، زمخشری، ص ۶۳۱) بیان شده به طوری که در کلام عرب استعمال فراموشی در معنای ترک کردن شایع است.(تفسیرالتحریر والتنبؤ، ابن عاشور، ج ۶، ص ۹۷) علامه طباطبایی بر این باور است که واژه فراموشی در اصطلاح قرآنی غالباً به معنای بی‌اعتنایی به خدا و اومار او اطلاق می‌شود.(المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۹)

در قرآن کریم هفت واژه نسیان ۴۵ بار باشکال مختلف بکار رفته که ۳۷ مورد آن دربراه انسان است.

عوامل و اسباب فراموشی از نظر قرآن

از نظر قرآن فراموشی گاهی به صورت طبیعی است، همانند فراموشی مستقیم است(و به‌عروض می‌ماند) حسنیای حوئهما» (کهف، آیه ۶۱)؛ و گاهی بر اثر اعراض و توجه واشغال به امور مادی و دنیایی است که انسان را از وظیفه‌ای که خاوند به آن یادآور شده بواسطه فراموشی فراموشی و خطایی ما در اعمال کرد و آنچه را پیش فرستاده ر فراموش نمود»(کهف، آیه ۵۷)

با در معاد یکی از عوامل مؤثر در وارستگی انسان است؛ زیرا انسانی که معاد را فراموش می‌کند

یا درباره آن تشکیک دارد، راه فکور را در پیش می‌گیرد و خطوط قرمز را از هم می‌برد و فجور می‌کند؛ اما باورمندان به معاد و ذکر آن، به سبب بیداری و هوشیاری، همه اعمالشان را تحت مراقبت ویژه قرار می‌دهند و سعی دارند تا تمام کارها را بر خوشنودی خداوند استوار ساخته، در نتیجه در مدار شهوات، آرزوهای باطل و هوس‌های شیطانی گرفتار نگردند.

فراموشی و فراموشکاری

از منظر قرآن

آخرت بااستغلام به امور مادی و دنیوی پدید می‌آید، فراموشی مستقیم است.(التحقیق، مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۱۴- ۱۱۵، «نسی») اما آنچه در قرآن نسبت به عوامل و اسباب فراموشی بیان شده است، شامل اسباب مستقیم و اسباب غیر مستقیم است(و به‌عروض می‌ماند) حسنیای از آنها عوامل مؤثر در فراموشی و دسته دیگر امور بسترساز فراموشی هستند؛ این دسته در واقع خود عامل فراموشی نیست؛ بلکه تنها زمینه و شرایط را برای فراموشی مهیا می‌کند.

یکی از عواملی است که انسان را گرفتار فراموشی طبیعی می‌کند(تخل، آیه ۷۰، حج، آیه ۵۰) البته عوامل دیگری نیز می‌توانند در آیات قرآن می‌توان گفت که اسباب و عوامل مستقیم و غیر مستقیم فراموشی می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. فراموشی طبیعی: این فراموشی در اختیار انسان است، زیرا انسان چه بخواهد یا نخواهد گرفتار نوعی از فراموشی است و هر چه تلاش کند این گونه نیست که همه چیزهایی را که یاد می‌گیرد و در ذهن دارد همواره به خاطر داشته باشد. خدا می‌فرماید که پیری یکی از عواملی است که انسان را گرفتار فراموشی طبیعی می‌کند، به طوری که دانسته‌ها به نادانسته تبدیل می‌شود و عالم پس از مدتی به جاهل تغییر ماهیت می‌دهد.(تخل، آیه ۷۰، حج، آیه ۵۰) البته عوامل دیگری نیز می‌توانند در این فراموشی طبیعی نقش داشته باشد؛ زیرا ذهن انسان به گونه‌ای است که مطالب مهم از نظر شخصی را حفظ و مابقی را سپس از مدتی در باطنی کوتاه مدت سپس در بلندمدت قرار می‌دهد به طوری که گاه اصولاً چیزی از آن را به یاد و خاطر نخواهد آورد. طبق بیان نورانی پیامبر اسلام(صلی الله علیه و اله در) «حدیث رفع» آثار این نوع فراموشی از انسان برداشته شده و شخص بر آن مواخذه نمی‌شود، امام صادق(ع) از پیامبر(ص) نقل کرده که ایشان فرموده است: «رفع عن امتی تسعة: اللطأ و النسیان، و ما اکروهوا علیه، و ما لا یطیقون، و ما لا یعلمون، و ما اضطروا الیه، و الحسد، و الطیغرة و الحقیق و الیوسوسة فی الخلق ما لم ینطق بشعفة» از نه چیز از امت من رفع قلم شده و آنان بدان مواخذه نمی‌شوند، خطا و فراموشی، و آنچه را که بدان مجبور می‌شوند، وآنچه توان انجامش را ندارند، و آنچه

عجله در کار خیر

عجله در لغت به معنای انجام کار قبل از زمان آن است. از همین رو از عجله به عنوان عمل شیطانی نهی شده است. اما در روایات از عجله در برخی از کارها سخن به میان آمده و بدان ترغیب شده است، به طوری که می‌توان گفت عجله گاهی خوب و پسندیده و گاهی دیگر نایبند و بد است.

در روایات از عجله در کار خیر از جمله صدقه دادن، نماز خواندن، توبه کردن قبل از مرگ و مانند اینها سخن گفته است. به نظر می‌رسد که باید میان سه کلمه سرعت و سبقت و عجله فرق گذاشت. سرعت مشابه کردن در وقت عمل، سبقت مسابقه با دیگری برای عمل خیر در وقت عمل و پیش دستی و عجله، عمل قبل از وقت آن است.

بنابراین مراد از عجله در کار خیر، آمادگی برای انجام عمل در زمان و وقت است؛ زیرا اگر آمادگی نداشته باشیم، وقتی زمان عمل به سبب عدم آمادگی نمی‌توانیم اهل سرعت و سبقت باشیم. مثلاً برای نماز باید وضو داشته باشیم تا در اول وقت آن نماز بخوانیم.

پس برای هر کار خیری که نیازمند مقدمات است، می‌بایست مقدمات آماده شود که از آن در روایات به عجله در کار خیر تعبیر شده است.

تلاوت قرآن در هر فرصتی

امام خمینی (ره) توجه خاصی به قرآن داشتند، به طوری که روزی، هفت بار قرآن می‌خواندند! امام در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، ولو اندک، قرآن می‌خواندند، بارها دیده شد که امام، حتی در بقایقی قبل از آماده شدن سفره افطار - که معمولاً به بغلالت می‌گذرد - قرآن تلاوت می‌کنند!.. امام بعد از نماز شب تا وقت نماز صبح، قرآن می‌خواندند.

* برداشته‌هایی از تفسیر امام خمینی، ج ۳ ص ۱۹۸.

معارف

Maaref@Kayhan.ir

دست‌هایشان را از انفاق و بخشش می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را فراموش کرد و رحمتش را از آنها قطع نمود؛ بیقین، منافقان همان فاسقانند! (توبه، آیه ۶۷)
اموری چون امر به منکر، نهی از معروف و عدم انفاق در راه خدا در حقیقت اعراضی کردن از یاد خدا و فراموشی اوست. از این امر اندیشه‌می‌شود که ذکر الله تنها در بیان قولی یا به یاد داشتن اسماء الله نیست، بلکه حقیقت یاد خدا را می‌بایست در رفتارها و کردارهای خودمان بیابیم؛ زیرا ما ممکن است کسی در تمام شبانه‌روز، الله‌الله بگوید، ولی هیچ کاری که بیانگر بندگی و اعتقاد عملی به آن است، انجام ندهد. اینکه خدا در قرآن می‌فرماید: ﴿شُوا لِلّهِ فَنَسِیَهُمْ﴾ بیانگر آن است که حقیقت ذکرالله را نمی‌بایست در اعمال شخصی همچون امر به معروف و نهی از منکر و انفاق در راه خدا دید؛ زیرا اینها همان ذکرالله و یاد خدا به معنای حقیقی است نه نام خدا را لقلقله زبان کردن»(المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۳۶) پس کسی که به ظاهر یاد خدا می‌کند، ولی در عمل بر خلاف آن کلام بر می‌دارد، یعنی روش و رویه منافقان را دارد، چنین شخصی در حقیقت گرفتار فراموشی ذکر الله است و همین فراموشی موجب می‌شود تا خدا نیز آنان را فراموش کند. خدا در جایی دیگر به مسلمانان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند! (احشر، آیه ۱۹) منظور از فراموشکاران در این آیه کسانی هستند که خدا را از روی عقیده و عمق جان یاد ننموده و حضور خداوند در زندگی احساس نکردند تا تمام جهت‌گیری آنان به سوی خدا باشد و در مسیر طاعت او قرار گیرند؛ بلکه از حقیقت یاد او غافل مانده و در آرزوها، لذات دنیوی، هواهای نفسانی و افعال لهو و لعب غرق شده و در زندگی از مسیر استقامت اخروی بی‌دا کرده‌اند. در حقیقت، رفتارهای خلاف ذکر الله در زندگی که شامل دل‌بستگی به دنیا است، آنان را به معنای حقیقی از شمار ذکران الهی بیرون برده و در جره غفلان از ذکر الله قرار داده است. چنین شخصی چون خدا را در زندگی فراموش کرده‌اند، به معنای دقیق

را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند.(مانده، آیه ۱۳) فراموشی در این آیه به معنای از بین رفتن اثر ذکر است که نتیجه آن بی‌ارزش شمردن و بی‌اعتنایی به تذکرات الهی است. چنین شخصی هر چند در حقیقت فراموش نکرده باشد؛ اما چون بدان بی‌توجهی نموده و اثرش از بین رفته، به آن فراموشی اطلاق شده است.(المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۹۵) باید توجه داشت این مواضعی که از طرف یهود به دست فراموشی سپرده شد و از آن اعراض کردند، بخشی از اصولی بود که سعادتشان وابسته به آن اصول بود. نتیجه این اعراض، گرفتار شدن آنها به شقاوت، عقاید غلط مانند: اعتقاد به تشبیه، خاتمیت نبوت حضرت موسی(ع)، بطلان نسخ و بدها و مانند آنها بود.(المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۴۱) کسانی که گرفتار فراموشی موعظه‌ها و اوامر و نواهی الهی می‌شوند، گرفتار استدراج هستند، به طوری که خدا آنان را رها می‌کند و از همان زمان رها شدن چنان غرق در نعمت می‌شوند که ناگهان جانشان ستانده شده و در دوزخ می‌افتند.(انعام، آیات ۴۰ تا ۴۴)

۴. فراموش کردن اعمال گذشته و عدم اصلاح آن:

انسان‌ها ممکن است کارهایی را انجام بدهند که نادرست و خطا باشد. بنابراین، هر کسی که چنین کرد افزون بر توبه و استغفار می‌بایست به اصلاح آن بپردازد و مفاسد آن را از میان بردارد.(بقره، آیه ۱۶۰) برخی انسانها به تصریح قرآن کارهای گذشته خویش را فراموش می‌کنند که قرآن در

کسی که گرفتار خدا بیگانگی در ذات است دچار از خود بیگانگی حقیقی است که نتیجه آن فراق از خدا در قیامت در قالب دوزخ فراق است. چنین شخصی هر گونه راه نجات را بر خود بسته و جز سقوط در آتش دوزخ راهی ندارد.

﴿وَلَا تُكۡوِنُوا كَالۡذَرۡیۡنَ نَسُوا اللّٰهَ فَاَنسَاهُمْ اَنۡفُسَهُمۡ اُوۡلَٰئِكَ هُمۡ الْقَاسِیُونَ﴾



و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند پسر خدا هه آنان را دچار خود فراموشی کرد اینان همان فاسقانند

کلمه خودشان را فراموش کرده‌اند؛ زیرا حقیقت هر انسانی چیزی جز تجلیات خدا در ذات نیست؛ پس کسی که خدا را در آینه قلب ندارد و نمی‌بیند، در حقیقت خود را فراموش کرده است؛ زیرا حقیقت هر کسی همان ظهور تجلیات الهی است. این فراموشی خدا چیزی جز فراموشی خود نیست؛ چنانکه ذکر الله چیزی جز ذکر خود نیست؛ کسی که از خدا بیگانه شده دچار از خودبیگانگی است. (نگاه کنید: تفسیر من وحی القرآن، ج ۲۲، ص ۱۳۲) از نظر قرآن اموری که بستر ساز فراموشی انسان از خدا می‌شود اموری چون شیطان(مجادله، آیه ۱۹)، رفاه زدگی و نعمت و امکانات بسیار زیاد(فرقان، آیه ۱۸؛ زمر، آیه ۸) و تمسخر مومنان است.(مومنون، آیات ۱۰۹ و ۱۱۰)

۲. فراموش کردن آخرت: حقیقت انسان گرایش به آخرت دارد؛ زیرا کمال مطلق و سعادت حقیقی در آنجا تحقق می‌یابد و انسان در دنیا می‌داند که چنین سعادت و کمال مطلقی را نمی‌تواند به دست آورد؛ اما یکی از بدبختی‌ها و زیاده‌های آدمی این است که به سبب سببیت شیطان و هواهای نفسانی گمان می‌کند سب دنیا همه زندگی است. این‌گونه است که آخرت را فراموش می‌کند و به بازیچه دنیا دل می‌بندد و فریب آن را می‌خورد. می‌فرماید: همان‌ها که در دین دنیا و آخرت و سرگرمی و بازیچه گردند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت، امروز ما آنها را فراموش می‌کنیم؛ همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است(مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۱)، زیرا یکی از معانی فراموشی همان ترک کاری یا چیزی است. به فراموشی سپردن برپایه داد‌گانه الهی در قیامت، سرچشمه انواع گناهان و الودگی‌ها در دنیا است؛ چنانکه یاد خدا و قیامت موجب کارهای نیک می‌شود. پس کسی که خدا و لغاتالله و معاد را در دنیا به این معنا فراموش کند و کارهای زشت انجام دهد، باید بداند که خدا او را به حال خود رها کرده تا هر کاری را بخواهد انجام دهد و سپس او را به دوزخ اندازد. در حقیقت اگر کسی در قیامت فراموش می‌شود، به سبب این است که خود در دنیا خود حقیقی همان‌گونه که دیدار چنین روزی را فراموش کردند.(اعراف، آیه ۵۱) منظور از فراموشی آخرت در این آیات، بی‌اعتنایی است. ترک آن است